



## عملکرد بدون رویکردچالش های فقدان مبانی نظری مداخله در معماری بومی با نگاه ویژه به معماری روستیک

محمد علی بزرگمهر<sup>1</sup>

کارشناس ارشد مرمت و احیای بناها و بافتهای تاریخی از دانشگاه علم و صنعت ایران، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی،  
پست الکترونیکی:

### چکیده

مبانی نظری مداخله در معماری بومی عموماً برای معماری های شاخص سبکی تعریف شده اند و هر چه قدر از معماری های شاخص سبکی به معماری های روستیک نزدیک می شویم مفاهیم اصولی مداخلات مانند حفاظت، مرمت و ... نیاز به باز تعریف و دقت عمل بیشتری می باشند. اما در عمل معضل موجود در حیطه اجرایی و عملی حفاظت و مرمت بناهای تاریخی در بازتعریف مفاهیم مرتبط با دانش مرمت مانند حفاظت، مرمت، نگاهداشت باززنده سازی، مراقبت و ... موجود نیست. بلکه عدم آشنایی و رعایت اصول اخلاقی حفاظت است. به نظر می رسد تنها در این صورت است که می توان شاهد تداوم ارزش های اصیل میراث فرهنگی خواهیم بود.

واژه های کلیدی: مبانی نظری مرمت، اصول اخلاقی حفاظت، منشور ملی مرمت، معماری سبکی و معماری روستیک

## مقدمه

عمده ترین وجه معماری سنتی و بومی را باید در آنچه امروزه به عنوان آثار تاریخی منقول دانست. زیرا که تقریباً تمامی بناهای تاریخی ایران - به استثنای نمونه های معاصر معماری مدرن - همه و همه را باید میراث معماری بومی ایران دانست. به عنوان بخش از میراث فرهنگی ایران ساخته می شوند حفاظت و مرمت فیزیکی میراث فرهنگی را با دیدگاه مبانی نظری مرمت می توان بر اساس نوعی روش شناسی منتقدانه از منظر انتقال و تحویل به آینده تعریف کرد که از شناخت منابع واقعی فیزیکی آن ها آغاز شده و تا جنبه های تاریخی و زیبایی شناسانه ادامه می یابد.

به نظر نگارنده چالش موجود در مداخله های امروزه در در شناخت تکنیکها و روشهای اجرایی معماری بومی، بلکه در فقدان وجود رویکردهای منسجم مبتنی بر میانی نظری مرمت نظری مرمت است. فقدان که موجب مسخ ارزش های میراثی برخی از عناصر معماری بومی هست که مورد مداخلات جدید قرار گرفته است و آنها را از عناصری اصیل و منحصر به فرد به عناصری تزئینی نزول داده است.

## روش تحقیق

در تدوین این مقاله از مطالعات میدانی ناشی از یک دهه بررسی عملی و درگیری در امور اجرایی مداخلات مرمتی روی معماری بومی بهره گیری شده است و در کنار آن مطالعات کتابخانه ای به غنای فکری ناشی از این مطالعات افزوده است.

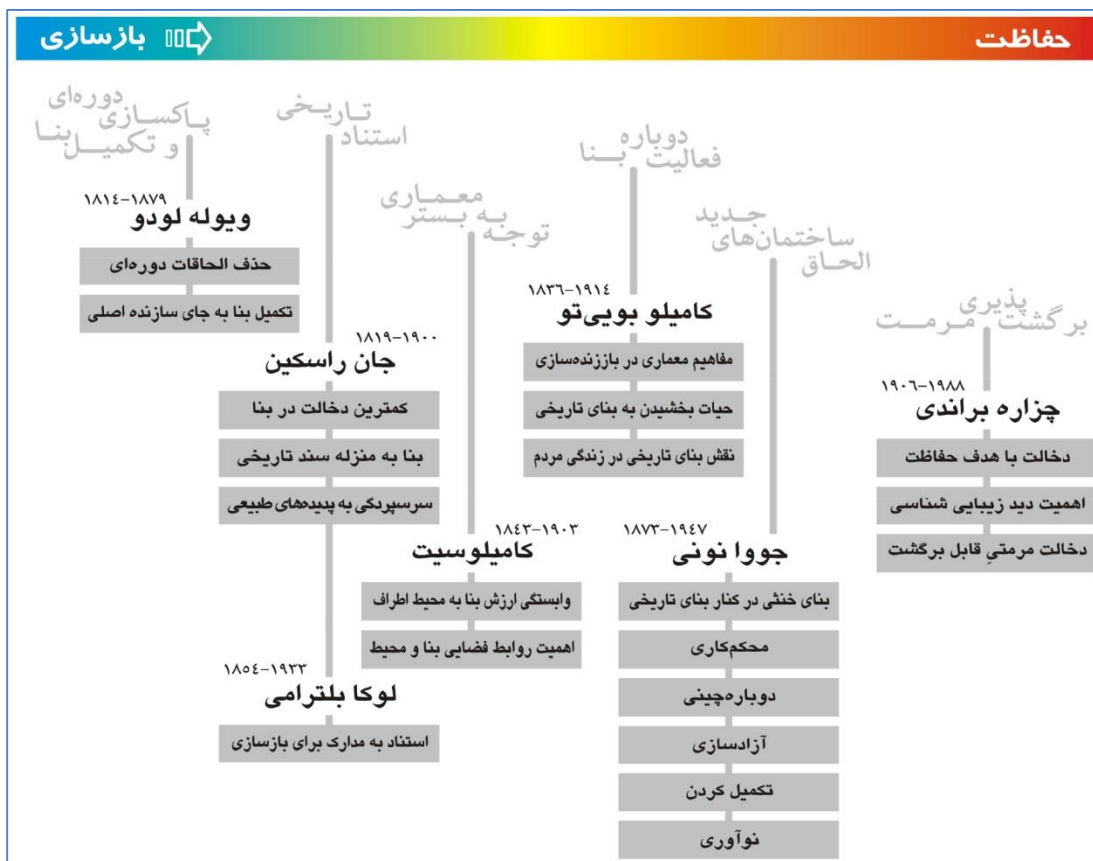
## فرگشت مفاهیم نظری مداخله در گذر زمان

طراحی و ساخت یک موضوع یا اثر (شیء یا بنای خاص) با شرایط فرهنگی، اجتماعی و فیزیکی زمان خود عجین است و از طریق ارزشهایی که با فرهنگ خودی یا فرهنگهای هم جوار ارتباط دارد، تعریف می شود. بر اساس این واقعیت که ارزشها پایدار و ثابت نبوده و دائماً توسط افراد یا اجتماعات ایجاد می شوند و طی گذشت زمان، لزوماً قابل تغییر هستند. بنابراین نمی توان بر فاصله زمانی فائق آمد، باز آفرینی دقیق معنایی اولیه یک اثر هنرمند هرگز بدست نمی آید.

وقتی یک اثر ساخته می شود، به عقاید فرهنگی مناسب در آن دوره زمانی نیاز دارد و ممکن است با ایده کلی ما در زمان حال متفاوت باشند، طبعاً آن اثر که در زمان و مکان مشخصی تولید شده، با گذشت زمان صاحب نوعی اصالت و تمامیت ویژه تاریخی می شود که نمایانگر وابستگی افراد سازنده آن به کلیت هنری و تاریخی زمان خود است؛ لذا شرط اساسی برای بقای ارزشهای چنین بناهایی تضمین اصالت این بناها برای سپردن به آینده است.

شرط اساسی برای بقای ارزشهای آثار گذشته، تضمین اصالت آنها برای سپردن به آینده است که از طریق نظریات انتقادی و شناسایی مراجع بنیادی و منابع فیزیکی آغاز و تا مفاهیم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ادامه می یابد. کشف و جستجوی اصالت در میراث فرهنگی گذشته، یک آرمان مطلوب محسوب می شود و از آنجایی که در جهانی متشکل از گوناگونی های مختلف ارزشی به سر می بریم، مفهوم ارزش جهانی نه در شباهت ها بلکه بیشتر در صحت و اعتبار ارزشهای یک فرهنگ خاص قابل مشاهده است.

از اواسط قرن نوزدهم تا کنون اولویتهای حفاظتی (یا مرمتی) بین رویکردهای راسکین و ویوله لودوک جایجا شده است و روند مابین «عدم مداخله صرف» و «مرمت بر اساس سبک» و جلو و عقب رفتن بین این دو قطب ادامه داشته و حاکی از این بوده که رویکرد صحیح نسبت به تعصبات یا ارزشهای دریافتی یک جامعه در مقطعی از زمان، ارتباط کمتری با عینیت مطلق دارد. اما گذر زمان نشان داده که فرایندهای موفق بوده اند که نتایج آن مواجهه، برای آیندگان عینیت و اصالت به یادگار گذاشته اند.



نمودار 1 - روند آرای نظریه پردازان مرمتی از بازسازی تا حفاظت  
نمودار از: (کاویان 1378, 6)

## طبقه بندی معماری بومی

کالبد معماری بیانگر بسیاری از ارزشهای تاریخی فرهنگی زیبایی شناسی مردم شناسی و... می باشد. در حالیکه ماهیت واحد معماری ایرانی است که به عنوان یک یادمان<sup>1</sup> تاریخی و هنری در یک ترکیب معماری در عالی ترین شکل خود ظاهر شده است. در مفاهیم ذکر شده زمانی که اندیشه و تفکر ایرانی به عنوان زمینه ساز کالبدی و ساختاری این ترکیب معماری باشد می تواند به عنوان باغ ایرانی جایگاه و منزلتی معتبر یابد.

این نکته را در بیان ویژگیهای باغ ایرانی باید یاد آور شد که باغ ایرانی باز آفرینی طبیعت نیست ولی عوامل و واقعیت های ناپیدای طبیعت را به کار می گیرد و در قالب اندیشه نظم انسانی را برنظم طبیعت حاکم می نماید و به تولید فضایی دست می یابد که بیانگر هویت فرهنگی ایرانی است.

هر اثر معماری فارغ از دوره و زمان خلق در یکی از سه دسته زیر قرار می گیرد<sup>2</sup>:

<sup>1</sup> Monument

<sup>2</sup> آشنایی با این مفاهیم را مدیون جناب آقای دکتر کوششگران از اساتید محترم معماری دانشگاه یزد هستم و بدین ترتیب سپاس خویش را تقدیم ایشان

می نمایم. محقق



همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران

یزد - بهمن ماه ۱۳۹۴

National conference of native architecture & urbanism of IRAN



Archive of SID

## 1- آثار معماری سبکی:

گاهی یک یا چند معمار بلند آوازه یا گمنام اما توانا با ایجاد نوآوری‌های خاص خود یک عنصر معماری را با جهان معماری عرضه می‌کند که این عنصر شاخصه دوران قرار می‌گیرد و به سرعت گسترش می‌یابد و اکنون معماری آن دوره با آن شاخصه‌ها شناخته می‌شود و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سبک معماری عصر خود قرار می‌گیرد. مانند آنچه ما به عنوان شاخصه‌های معماری صفوی در مسجد جامع عباسی اصفهان سراغ داریم. این گونه آثار از قدرت اجرایی بالایی برخوردار است و تنها توسط معماران تراز اول اجرا می‌شود. این آثار غالباً در مراکز عمده سیاسی و اقتصادی اجرا می‌شوند. این آثار همیشه مورد توجه بوده‌اند و امروزه بسیار مشهور بوده و تماماً نظام حفاظتی خاصی برای خود دارا هستند. این آثار با پشتیبانی افراد تراز اول مملکت شناخته می‌شوند. مانند مسجد کبود و باغ چهلستون.<sup>۳</sup>



نمودار 2- ویژگیهای آثار معماری سبکی

نمودار از: نگارنده

## 2- آثار معماری عرفی:

وقتی که یک عنصر معماری سبکی کاملاً فراگیر شد و اندکی از رواج آن گذشت حال دیگر اساتید درجه دوم به رموز آن دست پیدا کرده و اقدام به بهره‌گیری از آن می‌نمایند. در این حالت است که عناصر معماری به گوشه و کنار سرزمین‌ها و فراتر از مرزها راه می‌یابد؛ اما کیفیت اجرایی آن از نوع سبکی آن پایین‌تر است. با توجه به روند هویت بخشی بناهای تاریخی، اینک این گونه آثار هم مورد توجه هستند ولی شهرت آثار سبکی را ندارند. پشتیبانان شکل‌گیری این آثار امرا و بزرگان محلی هستند. در برخی ویژگیها گاهی این آثار به آثار سبکی و گاهی به روستیک تمایل پیدا می‌کنند. عناصر اصلی - مثل شاهنشین - به شاخصه‌های معماری سبکی

<sup>۳</sup> ملاحظه می‌شود برای معرفی برخی از این آثار -مانند نمونه‌های ارائه شده- نیاز به انتساب آن‌ها به موقعیت جغرافیایی خاصی مانند شهر و روستا نیست.

نزدیک می‌شوند و عناصر فرعی -مانند بخش‌های خدماتی- به شاخصه‌های معماری روستیک شباهت پیدا می‌کنند. مانند مسجد جامع قاین و باغ اکبریہ بیرجند<sup>۴</sup>



نمودار 3- ویژگیهای آثار معماری عرفی

نمودار از: نگارنده

**3- آثار معماری روستیک:** برخی آثار معماری نیز در ابتدا در میان عامه مردم رواج می‌یابد و استادکاران بومی آن‌ها را اجرا می‌کنند. این گونه آثار دارای چند ویژگی هستند از جمله اینکه روش اجرایی ساده‌ای دارند و از نظر اقتصادی مقرون به صرفه‌اند. بنابراین از مصالح بوم آورد در ساخت آن بهره‌گیری می‌شود و مردم‌وارترین نوع معماری نیز هست. ویژگی عمده دیگر این آثار گستردگی فراوان آن‌هاست. این آثار هم فراتر از آنچه عامه یا برخی خواص می‌پندارند ارزش‌های شاخصه و هویت بخش معماری اسلامی و ایرانی را در خود دارند که البته کشف آن‌ها کار ساده‌ای نیست. اما با وجود این ارزش‌ها بسیار مغفول هستند و هیچ کوششی برای حفاظت از آن‌ها نمی‌شود و به راحتی به تیغ‌های بولدوزرها سپرده می‌شوند. این آثار نمایانگر زندگی مردم عادی جامعه می‌باشند و علیرغم گستردگی، تنوع، در دسترس بودن و سهولت کار بر روی آن‌ها می‌توان گفت هیچ صاحب نظری بدین وادی وارد نشده است.

<sup>4</sup> این گونه آثار نیازمند انتساب به یک مکان جغرافیایی خاص هستند.

<sup>5</sup> Rustic برای معماری روستیک معنای مصطلح و گویایی پیدا نکردم و می‌توان آن را "دهاتی" روستایی" یا "بومی" ترجمه کرد. اظهار نظر قاطع را بر عهده صاحب‌نظران گذاشته می‌شود.





نمودار - ویژگیهای آثار معماری روستیک - Error! No text of specified style in document.

نمودار از: نگارنده



تصویرهای 1 و 2 - مسجد کبود و علی قاپو

تصویرها از: نگارنده



تصویرهای 3 و 4- مسجد میانده بشرویه (صفوی) و باغ امیرآباد بیرجند (قاجاری)

تصویرها از: نگارنده



تصویرهای 5 و 6- یک خانه روستیک ناشاخته در نهندان و سرنوشت آن پس از نیم ساعت از عکس قبل

تصویرها از: نگارنده

## توجه به اصول اخلاقی حفاظت

نگارنده معتقد است به عنوان مبحثی بنیادین، مبانی نظری مرمت را از زاویه اخلاق در حفاظت و مرمت مورد مذاقه قرار دهد. در این راه سخن ابتدا از جایگاه اخلاق در مرمت در سخنان روانشاد دکتر باقر آیت الله زاده شیرازی بزرگ مردی که پدر مرمت علمی ایران است و هر مرمت‌گری بی واسطه یا با واسطه بخش عمده‌ای از دانش و دیدگاه خود را از او دارد، آغاز می‌نماید:

«مرمت، اقدامی است که رابطه بین اثر و مرمت‌گر (انسان) را مشخص می‌سازد. مرمت‌گر، انسانی است متخصص و هنرمند که نگاه عمیق به تاریخ دارد و مهم‌تر آنکه امروزی نیست و انسانی معاصر. او را جاذبه عشق به تاریخ، هنر و بالاتر از همه انسان به این کار کشانده است.»



او انسان بی تفاوتی نیست و نگاهش به اثر تاریخی از روی شناخت و عشق است و این عشق است که انگیزه‌های ست برای شناخت او و رابطه او با اثر رابطه‌ای عاشقانه، عالمانه و هنرمندانه است.

مرمت پیش از آنکه یک حرفه باشد، ترضیه روح و طلب رضای خداوند است. به گفته متفکری، مرمت مأموریتی است که پیش از آنکه نبوغ بخواهد شناخت می‌خواهد، بردباری می‌طلبد تا باروری، وجدان می‌خواهد تا هیجان، شرافت می‌خواهد تا تحصیل منفعت، در این وادی نباید به دنبال کسب و کار بود، بلکه باید خود را وقف کرد.

مرمت تواضع می‌طلبد، خودخواهی و منیت برای این کار آفت است. آن روزی که مرمت تمام شود و نیت مرمت‌گر در آن رنگ گیرد و انعکاس یابد، اثر شخصیت می‌بازد.

مرمت‌گر باید طوری عمل کند که کار او تاریخ را به بیان آورد و آن را تداوم بخشد. کار او تداومی تاریخی و استمرار بخشیدن به آن است. بیش از هر چیز، مرمت‌گر امانت‌داری پرهیزکار است. آنچه در دست او است امانتی است که با درستی و صداقت باید به نسل بعد بسپارد.

مرمت‌گر چهره‌های چند بعدی دارد:

\* او عالمی است که از تمام امکانات روز در کار خود بهره می‌برد.

\* او مورخ هنر است برای آنکه اثر را بتواند در جریان هنری که در آن به وجود آمده قرار دهد و آن را درک کند.

\* او هنرمندی خلاق است که از طریق کشف و شهود، آن بخش‌های به اجرا درنیامده و یا از بین رفته را بتواند دریابد و پیدا کند.

\* او باید منتقدی هنری باشد برای آنکه بتواند ارزش‌های آن را قضاوت کند که همین خود رابطه او با اثر را مشخص می‌سازد و در اتخاذ روش‌ها و راه‌های مرمتی، اثر قطعی می‌گذارد.

مرمت‌گری در عین حال، نوعی ریاضت‌کشی است، خلق و خوی صنعت‌گران سنتی را می‌طلبد که وجود خود را در اثر ذوب می‌کند و آنچه می‌آفریند نه اداست که اصالت فطری انسان است و تداومی است از حرکت انسان متعالی در تاریخ.

جمع یک چنین شرایطی در وجود یک فرد، دلیل عدم دستیابی به مرمت‌گران کامل است. از همین جهت توصیه می‌شود افرادی که نتوانند این شرایط را تحصیل کنند و در وجود ایشان یک چنین زمینه و عطشی فراهم نباشد، به این وادی پا نگذارند. «آیت الله

زاده شیرازی 1386)

جدول 1 - شاخصه‌های یک مرمتگر از دیدگاه مرحوم دکتر شیرازی - مأخذ: نگارنده

شاخصه	فراز
نگاه به تاریخ	نگاه عمیق به تاریخ دارد و مهم‌تر آن که امروزیت
شناخت و عشق	نگاهش به اثر تاریخی از روی شناخت و عشق است
ترضیه روح و طلب رضای خداوند	پیش از آنکه یک حرفه باشد، ترضیه روح و طلب رضای خداوند است
شناخت	مرمت مأموریتی است که پیش از آنکه نبوغ بخواهد شناخت می‌خواهد
وجدان و شرافت	وجدان می‌خواهد تا هیجان، شرافت می‌خواهد تا تحصیل منفعت
تواضع	روزی که مرمت تمام شود و نیت مرمتگر در آن رنگ گیرد و انعکاس یابد، اثر شخصیت می‌بازد.
امانت‌دار	کار او تداومی تاریخی و استمرار بخشیدن به آن است. بیش از هر چیز، مرمتگر امانت‌داری پرهیزکار است.
عالم	تا از تمام امکانات روز در کار خود بهره برد.
مورخ هنر	تا اثر را بتواند درک کند.
هنرمند خلاق	از طریق کشف و شهود، آن بخش‌های به اجرا درنیامده و یا از بین رفته را بتواند دریابد و پیدا کند.
منتقد هنری	تا ارزش‌های اثر را قضاوت کند تا در اتخاذ روش‌های مرمتی، تأثیر قطعی بگذارد

برنارد فیلدن هم به تدوین اصول اخلاقی حفاظت پرداخته است. اصولی که وی ارائه می‌دهد از حیث کیفیت واجد ارزش‌های اجرایی بیشتری است. این اصول باید در هر مداخلات حفاظتی مد نظر حفاظت‌گر و مرمتگر قرار گیرد.<sup>۶</sup>

«تیم حفاظت از بناها باید اصول اخلاق قطعی زیر را رعایت کند:

- 1- وضعیت بنا باید به طور کامل قبل از آغاز هر گونه مداخله باید ثبت شود؛
- 2- مواد و روش‌های مورد استفاده در طول درمان باید مستندسازی شوند؛
- 3- شواهد تاریخی نباید نابود، تحریف و یا جابجا شوند؛
- 4- هرگونه مداخله باید در حداقل لازم باشد. باید برگشت پذیر و یا حداقل تکرارپذیر باشند، و نباید جلوی مداخلات احتمالی آینده را بگیرد؛
- 5- هر گونه مداخله، باید با احترام خلل ناپذیر برای زیبایی، تمامیت تاریخی و فیزیکی اموال فرهنگی مدیریت شوند.

<sup>۶</sup> به لحاظ اهمیت موضوع برای نگارنده علی‌رغم اینکه ترجمه‌های متعددی از اصول اخلاقی مورد نظر فیلدن در برخی کتب و جزوات موجود بود به لحاظ دسترسی بی‌واسطه به نظریات این شخص، ترجمه این مطالب از روی آخرین ویرایش کتاب Conservation of Historic Buildings در سال 2003 انجام شد که ارائه می‌گردد.

جدول 2 - شاخصه‌های یک مداخله حفاظتی از دیدگاه سر برنارد فیلدن - مآخذ: نگارنده

شاخصه	فراز
مستند سازی	قبل از مرمت: وضعیت حین مرمت: مواد و روش‌ها بعد مرمت: وضعیت
شواهد تاریخی حین مداخله	حذف نشود تحریف نشود جابجا نشود
کمیت مداخله	کمترین مداخله، بهترین مداخله
کیفیت مداخله	برگشت پذیر تکرار پذیر جلوی مداخلات آینده را نگیرد
شواهد تاریخی بعد از مداخله	جلوی دسترسی به تمامی شواهد در آینده گرفته نشود.
احترام به مصالح اصیل	حفظ حداکثر مصالح موجود
کمیت الحاقات	همان فرم و مقیاس اصیل
کیفیت الحاقات	هماهنگ در رنگ، آهنگ و بافت با بخش اصیل نسبت به مصالح اصیل کمتر قابل توجه قابل شناسایی توسط یک ناظر ماهر
چگونگی اجرا	اجرا توسط افراد ماهر

این دستورالعمل سخت‌گیرانه است. مداخلات نباید مانع از دسترسی به تمام شواهد و مدارک گنجانده شده در بنا در آینده شوند، و اجازه می‌دهد تا مقدار حداکثر از مصالح موجود حفظ شود. آن‌ها [یعنی مداخلات] همچنین باید در رنگ، آهنگ و بافت [بخش اصیل] هماهنگ باشند، و اگر الحاقاتی مورد نیاز است، باید همان فرم و مقیاس مربوط را بازگو کرده، و نیز نسبت به مصالح اصیل کمتر قابل توجه باشد، اما در عین حال، توسط یک ناظر ماهر قابل شناسایی باشند. افراد فاقد آموزش‌های کافی و یا تجربه نباید این کار [حفاظت] را عهده دار شوند. (Feilden 2003, v)

توصیه‌هایی که با عنوان اصول اخلاقی حفاظت توسط فیلدن مطرح می‌شود باید در نظر هر حفاظت‌گری به عنوان دستورالعمل‌های قاطع و صریح قلمداد شود و حفاظت‌گر به هیچ مداخله‌ای که در آن همه شروط بالا را رعایت نکرده است نباید فرصت بروز بدهد. عدم رعایت هر یک از این اصول به معنی خدشه دار شدن اصالت بنا و از بین رفتن بخشی از هویت و ماهیت یک اثر تاریخی می‌شود.

بحثی که در اینجا پیش می‌آید این است که آیا از نظر اصول اخلاقی حفاظت تفاوتی بین یک بنای فاخر سبکی یا یک خانه ساده روستیک وجود دارد؟ آیا اصول ذکر شده در مورد آن بنای فاخر باید به دقت اجرا شود ولی می‌توان از اجرای برخی از بندها یا تمامی آن‌ها در بنای روستیک صرف نظر کرد؟

در این میان برای دریافت مصداق روشن‌تر از یک مثال برای هر یک از این موارد استفاده می‌شود. همه مدرسه گیائیه خرگرد را به عنوان یک بنای فاخر نشان دهنده شاخص دوره تیموری می‌شناسند. اما در میان بافت تاریخی شهر بشرویه کسی شاید نام خانه کباری را نشنیده باشد که بنایی است چهار صغه و دوره تاریخی آن هم دوره تیموری کارشناسی شده است. مدرسه گیائیه بنایی سبکی با پلان بسیار زیبا و منظم و سرشار از هندسه و تناسبات، در ارتفاعی کشیده با تزئینات کاشی معرق که عالی‌ترین نوع تزئین در معماری اسلامی ایران است. اما خانه کباری بنایی خشت و گلی با پلانی که ارگانیک بودن فضاهای آن را نشان می‌دهد و در میان فضاهای خالی خانه‌های اطراف خود جا باز کرده است. حال آیا چون به نظر می‌آید خانه کباری یک اثر روستیک واجد سطح بسیار نازل‌تری از ارزش به ویژه ارزش زیبایی‌شناسی و تاریخ مندی - نه ارزش قدمت - در مقایسه با بنای باشکوه مدرسه گیائیه خرگرد به عنوان یک اثر سبکی است، حفاظتگر مجاز به انجام چه سطحی از مداخلات دارد؟



تصویر 1 مدرسه گیائیه خرگرد که در مرمت آن تلاش شده اصالت‌های آن حفظ شود

تصویر از: mazhari.ir

چیزی که در عمل شاهد آن هستیم این است که ویژگی‌های هویت بخش بناهای روستیک که نشان دهنده ساختار ارگانیک آن هستند، مسخ می‌شوند. مانند عدم داشتن گوشه‌ها و لبه‌های تیز، اجرای تاق‌ها و قوس‌ها با اندکی تغییر فرم، داشتن فرم‌های قناس بجای راست گوشه در فضاهای داخلی، عدم قاب بندی جداره‌های خارجی با دم گیری گچی، عدم استفاده از اندود در بسیاری از فضاهای داخلی، عدم استفاده از اندود گچ سفید در فضاهای داخلی، اجرای کف‌سازی با ماسه گچ و عدم استفاده از آجر فرش در فضاهای داخلی.

جدول 3-Error! No text of specified style in document. جدول ویژگی‌های ارگانیک معماری روستیک قبل و

بعد از مداخلات به منظور حفاظت و تداوم ارزش‌ها - مآخذ: نگارنده

بعد از مداخلات حفاظتی	قبل از مداخلات حفاظتی
گوشه‌ها و لبه‌ها تیز و گونیایی	عدم داشتن گوشه‌ها و لبه‌های تیز
اجرای هندسی تاق‌ها- اجرای تاق هندسی اشتباه به خاطر بدفهمی تاق اصیل	اجرای تاق‌ها و قوس‌ها با اندکی تغییر فرم
تراشیدن جداره‌های داخلی و پکفته کردن آجر یا خشت برای رسیدن به فضاهای راست گوشه	داشتن فرم‌های قناس بجای راست گوشه در فضاهای داخلی

رخبام‌های خشت و گلی و فاقد اجرا با آجر	رخبام سازی با آجر و گچ و گاهی سیمان
ازاره‌های فاقد آجرچینی هره	ازاره سازی با آجرچینی هره
عدم قاب بندی جداره‌های خارجی با دم گیری گچی	قاب بندی جداره‌ها با دم گیری گچی
استفاده از اندود گچ محلی معمولاً خاکی رنگ در فضاهای داخلی	استفاده از اندود گچ سفید در فضاهای داخلی
عدم استفاده از اندود در بسیاری از فضاهای داخلی	استفاده از اندود گچ سفید در فضاهای داخلی
اجرای کف‌سازی با ماسه گچ	کف سازی با آجر و ملات آهک و گاهی سیمان

این ویژگی‌ها در هنگام مداخلات حفاظتی جای خود را به چیزهایی می‌دهند که نه هویتی وابسته به بنا دارند و نه هویتی جدید را به عنوان ردی از زمان در بخش‌های مرمت شده به نمایش می‌گذارند؛ بلکه با اجرا با مصالح سنتی و به شیوه سنتی هویتی را در فضایی تاریخی به منصفه ظهور می‌رسانند که هیچ گاه در آن فضاها جایی نداشته و ماهیت و هویت آن‌ها را مسخ می‌کند و جنبه دکوراتیو -مانند دکورهای موقت سینمایی- به آن‌ها می‌دهد.

نکته اساسی در ماهیت بناهای روستیک این است که درست است که این بناها با فن آوری پایین تری اجرا می‌شوند و این فناوری‌ها دوام و ماندگاری کمتری دارند، اما چیزی که به آن ماهیت و هویت داده است و موجب تداوم آن‌ها تا عصر حاضر شده است این است که سرکشی و مراقبه مدام از این بخش‌ها انجام می‌شده است. از آنجایی که این بخش‌ها در اختیار طبقه فرودست جامعه بوده و آن‌ها هم از کار پیدی ابایی نداشتند، خود شخصاً هر سال نسبت به رفع نواقص و مشکلات کوچک موجود در آن‌ها حتی با مالیدن یک مشت گل می‌نموده‌اند.

در این مورد نگارنده به مثالی که خود عیناً شاهد بوده است اشاره می‌نماید. مجموعه باغ و عمارت رحیم‌آباد بیرجند که مجموعه‌ای فاخر و دارای تزئینات بسیار مانند گچ‌بری، نقاشی، آینه کاری و ... و دارای ارزش‌هایی است که آن را به یک بنای سبکی نزدیک می‌کند. اما تمامی قسمت‌ها واجد این خصوصیت نیستند. چندین اتاق ساده خشت و گلی با سقف چهار گرده پوش وجود دارد که ظاهراً به عنوان آغل گوسفند مورد بهره برداری قرار می‌گرفته است. نمای بیرونی این قسمت که به صورت تمام عیار روستیک است واجد سطوحی ساده و بدون لبه‌های تیز و با لبه‌های نرم و منحنی با اندود منحصر به کاه‌گل بود.



تصویرهای 2 و 3- وضعیت نمای بیرونی آغل باغ رحیم‌آباد قبل از مداخلات اولیه و بعد از آن

تصور از: بایگانی معاونت میراث فرهنگی





تصویر 4 نمای بیرونی آغل باغ رحیم آباد پس از مداخلات سال 1389

تصویر از: حامد نداد مقدم

کارشناس وقت میراث فرهنگی در ابتدا به علت فرسودگی نسبی که در جداره‌های خارجی وجود داشت اقدام به مرمت آن‌ها نمود بدین صورت که با پکفته کردن خشت و آجر و قطور کردن زیرسازی اندود سطوحی صاف و با لبه‌های تیز برای این بخش نمایانمی‌سازد. چندین سال بعد به علت عدم توجه به شیب بندی زمین اطراف این بخش بر اثر جمع شدن نزولات جوی در پای دیوار بخشی از این اندود فرومی‌ریزد.

در سال 1389 کارشناس دیگری در میراث فرهنگی برای رفع این مشکل چنین تصمیمی گیرد که از راه‌ای با آجر هره  $25 \times 25$  سانیمتری در پای اجرا نماید. ارتفاع جداره نیز افزودهمی‌شود به نحوی که از بیرون نحوه پوشش اتاق دیگر مشخص نیست. در قسمت لبه بام نیز رخیامی با سه رج آجر که رج میانی آن 5 سانتیمتر بیرون زده است اجرامی‌شود. سطح بیرونی بجای یک کاه‌گل ساده بوسیله سیم گل اندودمی‌شود و با گچ سفید لبه‌های آن دم‌گیریمی‌شود. همچنین بخشی از فضای بیرون آجر فرش می‌شود.

### اصول اخلاقی سازوار

در اینجا دوباره نگارنده باز هم به سؤال پیشین عودت می‌نماید: آیا از نظر اصول اخلاقی حفاظت تفاوتی بین یک بنای فاخر سبکی یا یک خانه ساده روستیک وجود دارد؟

سالوادور مونیوس ویناس<sup>7</sup> محقق اسپانیایی است که کتابی ارزشمند در زمینه مبانی نظری مرمت به رشته تحریر در آورده است. او در کتابش چنین آورده است: «از آنجا که موضوعات حفاظت<sup>8</sup> علمی پیرامون مواد و ویژگی‌های مادی دور می‌زند نه بر گرد ارزش‌ها [که اغلب غیر مادی و غیر ملموسند]، تصمیم‌های ارزشی را با انگ غیر علمی پس می‌زند. با این نگاه، باید برای همه اشیای حفاظتی اهمیت یکسان قائل شد و در حفاظتشان از «یک استاندارد» واحد پیروی کرد. در این استاندارد واحد مراقبتی» باید با شاهکار یک هنرمند بزرگ به همان شکل و با همان معیار و توجهی رفتار شود، که با یک نقاشی بدون امضای درجه دو یا یک اسباب بازی حلبی دهه 1940 رفتار می‌شود.» (مونیوس ویناس 198، 1389) او در واقع این گونه نتیجه می‌گیرد قبلا اصول اخلاقی

<sup>7</sup> Salvador Munoz Vinas

<sup>8</sup> مترجمین محترم و صد البته دانشمند کتاب نگره نگاهداشت معاصر بجای واژه "Conservation" معادل «نگاهداشت» را برگزیده‌اند که در جای خود زیبا و فنی می‌نماید. ولی با توجه به اینکه این برگردان در متون جاری مبانی نظری مرمت جای خود را پیدا نکرده است و در این رساله نیز تا کنون از برگردان آن به «حفاظت» بهره‌گیری شده است، در نقل قول از نویسنده کتاب نگره نگاهداشت معاصر بجای واژه «نگاهداشت»، برگردان مصطلح‌تر «حفاظت» مورد استفاده قرار گرفته است.

حفاظت یک استاندارد واحد برای تمامی آثار هنری تلقی می‌شد و در مقابل یک شاهکار هنری و یک اثر دون پایه یکسان عمل می‌کرد.

در ادامه او می‌نویسد: «در عوض اصول اخلاقی معاصر نرمش پذیرتر است و دنبال چیزی می‌گردد که «اصول اخلاقی سازوار»<sup>۹</sup> نامیده می‌شود. اصول اخلاقی سازوار تایید می‌کند که یک فرایند حفاظتی می‌تواند تحت شرایط متفاوت و بنا به دلایل متفاوت اولویت پیدا کند. شرایط مادی (مثل مواد تشکیل دهنده شیء) در این موارد نقش دارد. این عوامل متغیر صرفاً تابع دو عامل تعیین کننده است:

الف) معانی (یا کارکردها یا ارزش‌ها)ی که شیء برای مردم تأثیر پذیرفته دارد.

ب) علاقه‌ی تصمیم گیرنده به تخصیص منابع برای فرایند حفاظت (کیپلی (2000) اصطلاح اخلاق مادی» را برای تشریح این عامل مهم ابداع کرد

این دو تنها متغیرهای موثر بر کار حفاظت نیستند. اما، به دلیل حضور اساسی و همیشگی در تمام تصمیم‌های فنی و اخلاقی مهم‌ترین شمرده می‌شوند. همان طور که هیچ استاندارد واحدی برای وظیفه‌مندی یا تخصیص منابع وجود ندارد. با شناخت این دو «استاندارد واحد مراقبتی» بی‌مصرف می‌شود. هدف همه فرایندهای حفاظتی برآورده کردن برخی انتظارات و نیازهایی است که ماهیت خاصی تکرار نشدنی دارد. پس دلیل ندارد که برای همه، یک استاندارد واحد تعریف شود. مگر برای راحتی؛ چون چنین چیزی حفاظت‌گر را از زیر بار مسئولیت خارج می‌کند.» (مونویوس ویناس 1389, 198)

این مسئله بدین معنی است که آثاری که از نظر عامه مردم مهم‌تر تلقی می‌شوند و به نحوی برای عامه نقش هویت بخش دارند را بر مبنای اصول اخلاقی سازوار می‌توان در اولویت مرمت قرار داد و همچنین تشخیص و علاقه توزیع کنندگان منابع مالی می‌تواند بر مبنای اصول اخلاقی مادی تشخیص یابد و در اولویت مرمت قرار گیرد.

اما به نظر نگارنده همان گونه که مشاهده می‌شود، این دو مورد یعنی اصول اخلاقی سازوار و اصول اخلاقی مادی تنها به اولویت بندی آثار در فرایند حفاظت می‌پردازد و «اصول اخلاقی حفاظت» آن گونه که فیلدن از آن به جامعیت تعریف نموده است و در حیطه اجرا و عمل در یک اثر فاخر و یک اثر روستیک به صورت یکسان باید به اجرا در آیند. اما می‌تواند اولویت‌های اجرایی متفاوتی را داشته باشد و اثر فاخر در اولویت حفاظت قرار گیرد. این امر از نظر منطقی هم بسیار درست به نظر می‌رسد چرا که یک اثر فاخر بار معنوی و هویت بخشی بیشتری را با خود به همراه دارد و در نتیجه حفاظت از آن ارزش‌های بیشتری را تداوم می‌بخشد.

## منشور ملی مرمت و جایگاه اصول اخلاقی حفاظت در آن

برخی کشورها برای ساماندهی به مداخلات حفاظتی خود در بناها و اشیای تاریخی اقدام به تدوین منشور ملی برای کشور خود نموده‌اند. کشورهایی چون ایتالیا، فرانسه، استرالیا، نیوزیلند و حتی پاکستان دارای منشور ملی مرمت هستند. در این میان برخی از این منشورها به خاطر دقتی که در تدوین آن رخ داده جایگاهی فراتر از ملی پیدا کرده و به صورت بین‌المللی و بسیار فراگیر مورد استناد قرار می‌گیرند. منشور بورا که منشور ملی استرالیا است از این جمله است.

اما در ایران تا کنون منشور ملی مرمت تدوین نشده است. در زمینه منشور ملی مرمت یا دستورنامه‌های مشابه چشم همه پژوهشگران به موسسه ملی ایکوموس ایران است. جایی که بزرگان و نام‌آوران فرهنگ و دوستداران میراث فرهنگی در آن جمع شده‌اند. در بند چهارم از ماده 5 اساسنامه خود «اشاعه قوانین معاهدات، توصیه‌ها، قراردادهای و آیین نامه‌ها و منشورهای ملی و

<sup>9</sup> Adaptive ethics

بین‌المللی در زمینه شناسایی، حمایت، حفاظت، مرمت و معرفی بناها و مجموعه بناها و محوطه‌ها و ارائه پیشنهادهای لازم به مراجع ذی‌ربط.» را به عنوان یکی از اهداف خود برگزیده است.

پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نیز به خاطر ماهیت حاکمیتی عملکرد خود در مورد میراث فرهنگی و وظیفه‌ای که قانون برای حفظ میراث فرهنگی بر عهده آن گذاشته است از دیگر مراکزی است که انتظار می‌رود در زمینه تدوین منشور ملی مرمت اقدامات ثمربخشی را راهبری نماید که تلاش‌های انجام شده در آن تا کنون نتیجه نداده است.

جای آن دارد که زودتر به عنوان یک اقدام مثبت و تأثیر گذار این نهاد فرهنگی در خصوص تهیه منشور ملی مرمت بناها و محوطه‌های تاریخی اقدام نماید. کاری که بنا به نوشته روزنامه جام جم در سال ۱۳۸۱<sup>۱۰</sup> آغاز شده ولی هنوز به سرانجام نرسیده است. (روزنامه جام جم ۱۰ آذر ۱۳۸۲)، (خبرگزاری میراث فرهنگی، منشور ملی مرمت بناها و شهرهای تاریخی ۱۳۸۳)، (خبرگزاری میراث فرهنگی، منشور ملی مرمت، ضوابط مرمت را بومی می‌کند ۱۳۸۴) و (روزنامه ایران ۲۸ مرداد ۱۳۹۱) به زعم نگارنده یکی از مشکلات اصلی بر سر راه تدوین منشور ملی مرمت، اتفاق نظر کارشناسان این حوزه بر سر بازتعریف مفاهیم مرتبط با دانش مرمت است.

با توجه به اینکه به نظر نگارنده که خود دستی -از دور نه و بلکه از نزدیک- بر آتش حفاظت و مرمت بناهای تاریخی دارد، احساس می‌شود معضل موجود در حیطه اجرایی و عملی حفاظت و مرمت بناهای تاریخی در بازتعریف مفاهیم مرتبط با دانش مرمت مانند حفاظت، مرمت، نگاهداشت باززنده سازی، مراقبت و ... موجود نیست. بلکه دست‌آوردان میراث فرهنگی در خارج از بدنه سازمان و مدیران میراث فرهنگی ایران از صدر تا ذیل، کارشناسان و پیمانکاران، حتی استادکاران و کارگران جزء و حتی کارمندان همه بخش‌های دیگر سازمان میراث فرهنگی باید همه و همه با اصول اخلاقی حفاظت آشنا باشند و نسبت به رعایت حداکثری آن حساسیت لازم را به خرج دهند. به نظر می‌رسد تنها در این صورت است که می‌توان شاهد تداوم ارزش‌های اصیل میراث فرهنگی سرزمین گهربارمان ایران خواهیم بود.

<sup>10</sup> «شورای ملی بناها و محوطه‌های تاریخی (ایکوموس) ایران منشور ملی و مرمت بناها و محوطه‌های تاریخی کشور را در دست تهیه دارد. مطالعه اولیه برای تهیه این منشور از یک سال پیش آغاز شده و تدوین آن بر اساس منشورهای بین‌المللی، از جمله منشور ونیز صورت می‌گیرد و مسائل بومی و قوانین محلی نیز در آن لحاظ می‌شود. به همین منظور قوانین و دستورالعمل‌های موجود در سطح کشور که با موضوع مرمت و حفاظت بناها و محوطه‌های تاریخی مرتبط هستند، جمع‌آوری و بررسی می‌شوند. ایکوموس ایران تلاش دارد تا سال آینده با برگزاری همایش ملی منشور مرمت، کلیه مطالب جمع‌آوری و تحلیل شده را ارائه و جمع‌بندی کند.» (روزنامه جام جم ۱۰ آذر ۱۳۸۲)



## بحث و نتیجه گیری

روند تاریخ نظریات و قطع نامه‌ها و منشورهای مرمتی نشان می‌دهد که مفاهیم مد نظر در مبانی نظری مرمت از توجه صرف به کالبد بنا به سمت شناخت، حفاظت و تداوم ارزش‌های میراثی پنهان در اثر تحول یافته است. با این دیدگاه آن کس این ارزش‌ها را تداوم می‌بخشد نیاز دارد یک سری ضوابط اخلاقی را رعایت کند که از آن‌ها به اصول اخلاقی حفاظت تعبیر می‌شود. بنا به نظر دکتر شیرازی وی باید نگاهی به اثر تاریخی از روی شناخت و عشق است و روزی که مرمت تمام شود و نیت مرمت‌گر در آن رنگ گیرد و انعکاس یابد، اثر شخصیت می‌بازد. مداخله در بناهای تاریخی روستیک از نظر مبانی نظری مرمت با مشکلاتی همراه است که فقط بر مبنای اصول اخلاقی حفاظت قابل رفع است. با توجه به اینکه به نظر نگارنده احساس می‌شود معضل موجود در حیطه اجرایی و عملی حفاظت و مرمت بناهای تاریخی در بازتعریف مفاهیم مرتبط با دانش مرمت مانند حفاظت، مرمت، نگاهداشت باززنده سازی، مراقبت و ... موجود نیست. بلکه عدم آشنایی و رعایت اصول اخلاقی حفاظت است. به نظر می‌رسد تنها در این صورت است که می‌توان شاهد تداوم ارزش‌های اصیل میراث فرهنگی خواهیم بود.

Archive of SID

## مراجع

1. Feilden, m Bernard. *Conservation of Historic Buildings*. Third. Oxford: Architectural Press, 2003.
2. آیت الله زاده شیرازی، سید باقر. "اخلاق در مرمت." پایگاه اینترنتی دکتر سید باقر آیت الله زاده شیرازی. 1386. <http://www.drbaghershirazi.ir/neveshteha.asp> (دستیابی در مهر 1، 1391).
3. خبرگزاری میراث فرهنگی. "منشور ملی مرمت بناها و شهرهای تاریخی." خبرگزاری میراث فرهنگی. 16 فروردین 1383. <http://www.chn.ir/NSite/FullStory/News/?Id=88658> (دستیابی در 1 مهر، 1391).
4. —. "منشور ملی مرمت، ضوابط مرمت را بومی می کند." خبرگزاری میراث فرهنگی. 1 تیر 1384. <http://www.chn.ir/NSite/FullStory/News/?Id=91413> (دستیابی در 1 مهر، 1391).
5. روزنامه ایران. "سرنوشت نامعلوم منشور ملی مرمت." *روزنامه ایران* 5155 (28 مرداد 1391): 7.
6. روزنامه جام جم. "تدوین منشور ملی مرمت در ایران." *روزنامه جام جم*. 10 آذر 1382. <http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100004184874> (دستیابی در مهر 1، 1391).
7. شهسوارگر، مولود. "تداوم منظر فرهنگی احیا و بازآفرینی یک باغ تاریخی." *منظر* 17 (زمستان 1390): 54 تا 56.
8. فیلدن، برنارد. *راهنمای مدیریت محوطه های میراث جهانی*. با ترجمه سوسن چراغچی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، 1384.
9. کاویان، مجتبی. *توصیه نامه در خصوص نگارش پایان نامه دوره کارشناسی مرمت و احیای ابنیه تاریخی*. بیرجند: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، 1378.
10. مونیوس ویناس، سالوادور. *نگره نگهداشت معاصر*. با ترجمه فرهنگ مظفر، فاطمه مهدی زاده، & حمید فرهنگد بروجنی. اصفهان: گلدسته، 1389.

Archive of SID